

تحریم اینترنت یعنی چه؟

سناریوی ۵: تحریم سرویس دهندگان اینترنتی

هر سایت یا اپلیکیشن با پایگاه داده‌ای، از خدمات متنوع سایر شرکت‌ها استفاده می‌کند؛ مثلا وقتی شما سایت شرکت خودتان را راه‌اندازی می‌کنید، یک شرکت به شما خدمات ایمیل می‌دهد، یک شرکت دیگر به شما خدمات نقشه می‌دهد، دیگری به شما خدمات امنیت در مبادله اطلاعات (SSL) می‌دهد و... حالا تحریم اصلی آمریکا، در تمامی سال‌های گذشته آن بوده که این خدمات مبتنی بر وب را برای سایت‌های ایرانی تحریم کرده است. به یاد دارید که مثلا اپلیکیشن‌های ایرانی از روی بازارهای فروش اپلیکیشن حذف شد؛ مثلا در App-Store اپلیکیشن‌های زیادی از ایرانیان حذف شد.

واقعیت آن است که این تحریم‌ها جدید نبوده و سال‌های سال است که ایران تحت چنین تحریم‌هایی بوده است. تحریم‌هایی که برای نخستین بار نیست و همیشه راه‌حل‌هایی برای آن ایجاد شده است.

راه‌حل‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت

در کوتاه‌مدت، مشکلی جدی برای اینترنت ایرانیان روی نخواهد داد. در بلندمدت نیز تحریم‌ها تاثیر جدی نخواهند گذاشت. اما واقعیت آن است که تنها راه برای کاهش همین تأثیرات نیز سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها بوده و هست؛ مثلا اگر شرکت‌های بزرگ خارجی در ایران دیتاسنترهای خود را به صورت مشترک با ایرانی‌ها تأسیس کرده بودند، هر پنج سناریوی تحریمی که گفته شد، بیش از اینها ناکارآمد شده بود. واقعیت آن است که هرچه کشوری خود را از جامعه جهانی مجزا کند، آسیب‌پذیری آن بیشتر خواهد بود. رشد زیرساختی که در طول دولت اول روحانی روی داد، میزان آسیب‌پذیری را به شدت کاهش داده است. اگر وضعیت ما مشابه با سال ۹۲ بود، میزان آسیب‌پذیری قابل مقایسه با وضعیت اکنون نبود؛ تحلیل اشتباه آن است که کشوری بخواهد میزان وابستگی خود را به کشورهای دیگر کاهش دهد و به صورت وارونه تصمیم درست آن است که هم میزان داده‌های ورودی بالا باشد و هم میزان داده‌های خروجی؛ در این صورت است که تحریم‌ها کاملا بدون تأثیر می‌شوند و اساسا هیچ کشوری در فکر تحریم ما نخواهد رفت.

تحلیل اشتباه دقیقا در جایی شروع می‌شود که فکر کنیم اگر ما اینترنت ملی داشته باشیم، آن‌گاه در برابر تحریم‌ها پایداری می‌شویم؛ این استدلال یک کلاهبرداری خطرناک است. پایداری در برابر تحریم‌ها برخلاف ادعاهای ساده‌انگاره زمانی خواهد بود که هم‌زمان هم میزان داده ورودی و هم خروجی افزایش یابد؛ یا به عبارت دیگر ما جهانی‌تر شده باشیم. وقتی دیتاسنترهای بزرگ در ایران باشند، زمانی که از لینک‌های متعدد و متنوعی داده میان ایران و سایر نقاط جهان در جریان باشد، هر نوع تحریمی اختلال در سایر کشورها را افزایش می‌دهد.

امروز تهدید آمریکا کخطری جدی برای ایران نیست، اما برای بی‌اثرکردن کامل هر تحریم یا حتی تهدید به تحریم اینترنت ایران، لازم است تا گسترش زیرساخت‌های اتصالاتی به جهان را در دسترس‌کار قرار دهیم. اگر امروز اندکی هزینه در این زمینه کنیم، فردا سخن‌گفتن از تحریم ایران، در عمل تهدید سایر کشورها خواهد بود. پایداری وضعیت شبکه در حال حاضر، نتیجه توسعه گسترده در چهار سال گذشته در زیرساخت بوده است؛ برای پایداری بیشتر در چهار سال آینده نیاز به سرمایه‌گذاری امروز است. نمی‌توان به بهانه اندک‌بودن منابع مالی، اینترنت و زیرساخت فناوری اطلاعات را کمتر از نان و شکر و برق دانست. امروز اینترنت نیز تبدیل به یک نیاز پایه و اساسی شده است و البته تأمین آن بسیار کمتر از هر کالای اساسی دیگری نیاز به هزینه دارد. هر نوع آسیبی برای اینترنت یعنی بی‌کاری، از بین رفتن امنیت روانی و بالاتر از همه قطع شدن دسترسی به اطلاعات و دانش و در نتیجه تعطیل‌شدن تدریجی توسعه. در تمامی روزهایی که مردم از گرانی‌ها در هراس بودند، کمتر خبر یا گزارشی بود که دغدغه اینترنت به عنوان یک کالای اساسی در هزاره جدید را طرح کرده باشد. ما نیاز به تغییر این نگرش در نگاه خود به جهان داریم. فراموش نکنیم که اینترنت کالای اساسی دنیا امروز است.

سفر به عراق؛ ۵۲ سال قبل

بیست‌وسومین روز از سفرم وقتی به حرم مشرف شدم، محمدرضا شاه مقداری سنگ مرمر از ایران جهت اصلاح دیوارهای حرم مطهر و تعویض ستون‌ها فرستاده بود. آقای لرزاده، سازنده و طراح مسجد اعظم قم، ریاست و مهندسی این پروژه را بر عهده داشت. بنده با سن کم خدمت ایشان رفتم و خواستم اجازه دهم به‌عنوان کارگر داوطلبانه بدون مزد و پاداشی مشغول به کار شوم. در نجف بیشتر اوقات نماز جماعت را پشت سر آیت‌الله سید ابوالقاسم خونی که مسجدش حرم کار آقا محمدالمؤمنین بود و در کربلا شب‌ها بعد از کارگری در حرم امام حسین(ع) پشت سر آیت‌الله سیدمحسن حکیم می‌خواندم. مسافرت من حدود یک ماه طول کشید که در آن توانستم به شهرهای کاظمین و سرادبه آقا اسام زمان(عج) و جاهای دینی کربلا، نجف، وادی السلام و طفلان مسلم و حر و مسجد کوفه و مسجد سهله و در سامرا به مدرسه بزرگ و دینی آیت‌الله بروجردی و تمام جاهای دیگر که دوستان آشنایی قبلی داشتند، بروم. ما ۲۰، ۲۰ نفری که به‌طور قاجاق به کربلا آمده بودیم، در مسجد همدیگر را می‌دیدیم و در ترس و وحشت بودیم که مبادا ما را بگیرند و زندانی کنند.

ادامه در صفحه ۶

محمد مساعد: چند ماه قبل، هنگامی که مدیران وزارت صنعت، معدن و تجارت با دو پرونده جنجالی واردات خودرو و تخصیص ارز دولتی به واردکنندگان دست‌وپنجه نرم می‌کردند، خوش‌بین‌ترین حامیان محمد شریعتمداری نیز تصور نمی‌کردند در چند ماه شاهد تکیه‌زدن این سیاست‌مدار ۵۸ساله بر صندلی ثروتمندترین وزارتخانه کابینه روحانی باشند؛ اما روز شنبه نمایندگان مجلس شورای اسلامی با ۱۹۶ رای موافق، شریعتمداری را به وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی فرستادند تا وزیر در آستانه استیضاح و مستعفی دیروز، وزیر کار امروز کشور شود. وزیری که در سه سال باقی‌مانده از دولت روحانی، به شرط آنکه طعم استعفا یا استیضاح را نچشد، با چالش‌هایی جدی در این وزارت مهم روبه‌رو خواهد بود و هرکدام از این چالش‌ها، برای وزیری که سابقه اجرایی در حوزه کار و رفاه اجتماعی ندارد، بحران آفرین خواهند بود.

بحران صندوق‌ها

یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی شریعتمداری به‌عنوان وزیر کار، سروسامان‌دادن به وضعیت بحرانی صندوق‌های بانزشتگی کشور است. تصویب ۲۹ قانون غیرکارشناسی در ۴۰ سال گذشته که هزینه‌های آن مستقیما بر دوش صندوق‌های بانزشتستگی سربار شدند، در کنار نبود نظارت و شفافیت در مدیریت شرکت‌های سرمایه‌گذاری صندوق‌ها که به محلی برای معاملات سیاسی تبدیل شده بودند، یکی پس از دیگری این صندوق‌ها را به ورشکستگی کشانده و چنان فاجعه‌ای آفریده است که نمودش را می‌توان در قانون بودجه سال جاری و دو صندوق ورشکسته بانزشتگی کشوری و نیروهای مسلح مشاهده کرد. تنها درباره صندوق بانزشتگی کشوری، تصویب ۹ قانون غیرکارشناسی، از قانون معافیت کسور سهم کارمند خدمات مازاد در سال ۶۸ تا قانون مدیریت خدمات کشوری در سال ۶۸ در مجموع تا پایان سال ۹۴ را مالی ۸۰هزار میلیارد تومانی را به صندوق بانزشتگی کشوری تحمیل کردند و به گفته علی ربیعی، وزیر سابق کار، در یک کار تحقیقی مشخص شد تنها در همین صندوق بانزشتگی کشوری بیش از ۴۵۰هزار میلیارد تومان منابع با تصمیمات خارج از صندوق صرف شده است. از میان ۱۶ صندوق بانزشتگی در کشور فقط صندوق بیمه روستاییان و عشایر به‌دلیل جوان‌بودنش ورشکسته نیست و مهم‌تر از همه اینکه، صندوق تأمین اجتماعی به‌عنوان بزرگ‌ترین صندوق بانزشتگی کشور برای چندمین سال پیاپی تراز مالی منفی را تجربه می‌کند و به مدد دریافت وام‌های سنگین بانکی سر پا مانده است. در چنین شرایطی اگرچه در سال‌های اخیر و به‌ویژه پس از جلسه غریلنی در مجلس شورای اسلامی برای بررسی وضعیت صندوق تأمین اجتماعی احتمال تصویب قوانین غیرکارشناسی و سربار بر صندوق‌ها کاهش یافته، اما بعید است شریعتمداری بتواند تغییر خاصی در وضعیت صندوق‌ها ایجاد کند و

اقتصاد

«شرق» چالش‌های مهم پیش‌روی محمد شریعتمداری را بررسی می‌کند

هفت خان آقای وزیر



محمد هاشمی

وزیر اقتصاد

محمد هاشمی

وزیر اقتصاد

محمد هاشمی

وزیر اقتصاد

محمد هاشمی

وزیر اقتصاد

محمد هاشمی

وزیر اقتصاد

محمد هاشمی

وزیر اقتصاد

محمد هاشمی

وزیر اقتصاد

محمد هاشمی

وزیر اقتصاد

محمد هاشمی

وزیر اقتصاد

محمد هاشمی

وزیر اقتصاد

محمد هاشمی

وزیر اقتصاد

محمد هاشمی

وزیر اقتصاد

محمد هاشمی

وزیر اقتصاد

محمد هاشمی

وزیر اقتصاد

محمد هاشمی

وزیر اقتصاد

محمد هاشمی

وزیر اقتصاد

محمد هاشمی

وزیر اقتصاد

محمد هاشمی

وزیر اقتصاد

محمد هاشمی

وزیر اقتصاد

محمد هاشمی

وزیر اقتصاد

محمد هاشمی

وزیر اقتصاد

محمد هاشمی

وزیر اقتصاد

محمد هاشمی

وزیر اقتصاد

محمد هاشمی

وزیر اقتصاد

محمد هاشمی

وزیر اقتصاد

محمد هاشمی

وزیر اقتصاد

محمد هاشمی

وزیر اقتصاد

محمد هاشمی

وزیر اقتصاد

محمد هاشمی

وزیر اقتصاد

محمد هاشمی

وزیر اقتصاد

محمد هاشمی

وزیر اقتصاد

محمد هاشمی

وزیر اقتصاد

محمد هاشمی

وزیر اقتصاد

محمد هاشمی

وزیر اقتصاد

محمد هاشمی

وزیر اقتصاد

محمد هاشمی

وزیر اقتصاد

محمد هاشمی

وزیر اقتصاد

محمد هاشمی

وزیر اقتصاد

محمد هاشمی

وزیر اقتصاد

محمد هاشمی

وزیر اقتصاد

محمد هاشمی

وزیر اقتصاد

محمد هاشمی

وزیر اقتصاد

محمد هاشمی

وزیر اقتصاد

محمد هاشمی

وزیر اقتصاد

محمد هاشمی

وزیر اقتصاد

محمد هاشمی

وزیر اقتصاد

محمد هاشمی

وزیر اقتصاد

محمد هاشمی

وزیر اقتصاد

محمد هاشمی

وزیر اقتصاد

محمد هاشمی

وزیر اقتصاد

محمد هاشمی

وزیر اقتصاد

محمد هاشمی

وزیر اقتصاد

دخل و تصرف در آن را با هیچ توجیهی ندارد. به‌این‌ترتیب باید دید آیا شریعتمداری حاضر است در برابر درخواست‌های وزارت بهداشت و حمایتش در دولت مقاومت کند و هزینه آن را بپردازد یا شاهد تسلیم مراکز درمانی این صندوق بزرگ به وزارت بهداشت و درمان خواهیم بود. از سوی دیگر تأمین اجتماعی صندوقی است که با مشارکت سه شریک اجتماعی (جامعه کارگری، جامعه کارفرمایی و دولت) شکل گرفته و در ابتدا نیز بنا بر آن بوده که این سه شریک اجتماعی به شکل مساوی امکان نظارت بر آن را داشته باشند. بااین‌حال در سال‌های آخر دولت احمدی‌نژاد در اساسنامه این صندوق تغییراتی ایجاد شد و ضمن الصاق چند صندوق دیگر به آن، ترکیب هیئت امنای آن نیز تغییر کرد. درحالی‌که پیش‌ازآن هرکدام از شرکای اجتماعی سه عضو در ترکیب هیئت امنا داشتند، با تصمیم دولت احمدی‌نژاد سهم دولتی‌ها از این ترکیب به شش نفر افزایش یافت و فقط دو نماینده کارگری و یک نماینده کارفرمایی در این هیئت باقی ماندند. جلسات این هیئت با شش نفر رسمیت می‌یابد و تصمیمات آن نیز با پنج رای قابل اجراست. اساسنامه‌ای که در عمل تأمین اجتماعی و منابع آن را که حاصل زحمات کارگران تحت پوششش آن است، تحت مدیریت مطلق دولت درآورده و این روند نامیمون تا امروز ادامه داشته است. اگرچه شریعتمداری در روزهای پیش از کسب رای اعتماد تأکید کرده بود اساسنامه تأمین اجتماعی را اصلاح خواهد کرد و وزنه کارگران و کارفرمایان را مدیریت کرده و نظارت بر آن را افزایش خواهد داد؛ اما باید دید در عمل چنین وعده‌ای عملی خواهد شد یا این طرح که پنج سال است در وزارت کار خاک می‌خورد، همچنان در کشوی وزیر باقی خواهد ماند.

قانون بد دوست‌داشتنی

شریعتمداری در هفته اخیر و در جریان تلاش برای کسب رای اعتماد از مجلس، اشاراتی نیز به اصلاح قانون کار کرده است. اصلاح قانون کار یکی از جنجالی‌ترین تصمیمات راست‌گرایانه دولت در سال‌های اخیر بوده است که تاکنون ناکام مانده؛ اما بنا به وعده‌ای که شریعتمداری به اتاق بازرگانی داده است، از سوی او پیگیری خواهد شد. اگر قانون کار در دوران شریعتمداری با همان کیفیتی که در سال‌های گذشته مورد بحث قرار گرفته بود، اصلاح شود، آن‌گاه می‌توان دوران وزارت شریعتمداری را تاریک‌ترین دوران وزارت کار برای کارگران در دهه‌های اخیر دانست. اصلاحاتی که از اضافه‌شدن شرط «شرایط اقتصادی کشور» به‌عنوان معیار تعیین حداقل دستمزد تا پربنگ‌شدن نقش کمیته‌های انضباطی و کاهش توان نهادهای صنفی در حل اختلافات روابط کار و فسخ قرارداده‌ا را شامل می‌شود و سلب تکلیف اجتماعی سازمان تأمین اجتماعی در ماده ۲۲ آن، امکان پاره‌پاره‌شدن چتر حمایتی بیمه جامعه کارگری را افزایش می‌دهد.

ادامه در صفحه ۱۵

نفت رسمی ایران بفروشد تا بدهی‌های خود را تسویه کند. این اقدام ممکن است کل صادرات نفت ایران را متاثر کند. به گفته او، خریدار باید پالایشگاه معرفی کند تا این مشکل رخ ندهد. بنابراین معرفی خریدار بسیار اهمیت دارد و شرکت ملی نفت ایران باید آن را رصد کند. به هر ترتیب، باید مراقب بود که نفت ایران با نفت ایران وارد رقابت نشود.

او می‌افزاید: نرخ رقابتی زمانی عملی و پایدار است که نرخ محصول هم رقابتی باشد که نیست. بنابراین بیشتر موجب دردسرهای بعدی خواهد شد تا گشایش مثبت.

پالایشگاه‌های کوچک بین‌المللی استقبال خواهند کرد

برخی کارشناسان معتقدند این رخداد، اتفاقی مثبت در بورس انرژی قلمداد می‌شود. بنابراین باید با مطالبه شفاف‌سازی بیشتر، عرضه نفت خام در بورس را تقویت کنیم.

آنها معتقدند نباید نگران آن بود که نفت خریداری‌شده از سوی بخش خصوصی، وارد رقابت با فروش نفت خام ایران در شرکت ملی نفت شود، زیرا محموله آن قدر زیاد نیست که بخواهد اثری روی کل بازار نفت ایران بگذارد. از طرفی، کسی که وارد این بازار می‌شود، قطعا شناخت کامل نسبت به بازار دارد و حتما بازاریابی‌های لازم را انجام داده است.

این سخن، این شائبه را به وجود می‌آورد که شاید خریداران هم بخشی از شرکت ملی نفت ایران باشند که پیش‌تر از سوی برخی کارشناسان مطرح شده بود که جای خود را در بین دلالت نفتی پیدا خواهند کرد.

براساس داده‌هایی که به «شرق» رسیده، بنا بر این است که خریدار، کشتی خود را به شرکت ملی نفت ایران معرفی کرده تا مورد تأیید از نظر مشخصات فنی قرار گیرد و امنیت آن طبق عرف بین‌المللی از سوی شرکت ملی نفت تأیید شود.

کارشناسان موافق با اجرایی‌شدن این طرح، می‌گویند مقصد این نفت خام خریداری‌شده می‌تواند یکی از هزاران پالایشگاه کوچکی باشد که در بسیاری از کشورها از جمله هند و چین وجود دارد که تعامل ویژه‌ای با آمریکا ندارند و متاثر از تحریم‌ها نیستند. از سویی، اگر این پالایشگاه‌های کوچک بین‌المللی بداندند که می‌توانند در بورس ایران، نفت را در هر بشکه به یکی، دو دلار تخفیف بخرند و خود نیز مستقیما آن را به کشورش حمل کنند، حتما وارد این بازار خواهند شد که می‌تواند فرصتی برای فروش نفت ایران در روزگار تحریم باشد.

جزئیات کوه‌خواری برای ساخت ویلای مجلل در منطقه اوشان

● مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری استان تهران جزئیات کوه‌خواری انجام‌شده برای ساخت ویلایی مجلل در منطقه اوشان را اعلام کرد. علی‌کیان، مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری استان تهران در گفت‌وگو با خبرنگار اقتصادی خبرگزاری تسنیم درباره تصویری که اخیرا از کوه‌خواری احتمالی در منطقه اوشان برای ساخت یک ویلای مجلل منتشر شده است، اظهار کرد: شخصی مالک این ساختمان چهارهزاروخرده‌ای متر سند دارد و بر اساس آن سند، ساخت‌وساز انجام داده است؛ اما بر اساس بررسی‌های همکاران منابع طبیعی و طبق نقشه‌های ما، حدود سه هزار متر از این بنا جزء منابع طبیعی است. او افزود: براساس‌این، پرونده‌هایی برای این زمین تشکیل و به محاکم قضائی ارسال شده است اما با توجه به اینکه منابع طبیعی هنوز برای این زمین سندی ندارد و فقط برکه تشخیص دارد، دادگاه با بد نظرگرفتن اینکه فرد مالک، سند نیز در اختیار داشته، در مرحله بدوی او را تبرئه کرده است اما دادگاه تجدیدنظری برای این پرونده مطرح شده و همکاران منابع طبیعی در حال پیگیری آن هستند. مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری استان تهران با بیان اینکه سند این زمین مربوط به دهه ۸۰ است، ادامه داد: مکاتباتی برای اخذ سند منابع طبیعی این اراضی انجام شده اما معلوم نیست که چرا اداره ثبت منطقه اعلام کرده است که در آنجا نمی‌تواند سند برای منابع طبیعی صادر کند. او تصریح کرد: باید سند منابع طبیعی برای این اراضی صادر می‌شد تا ما می‌توانستیم دادخواست حقوقی را برای ابطال سند آنها در دادگاه ارائه دهیم. کیان در پاسخ به اینکه با توجه به همکاری نکردن اداره ثبت منطقه، آیا شکایت منابع طبیعی برای بازپس‌گیری کوه‌خواری انجام‌شده در دادگاه به نتیجه می‌رسد، گفت: به نتیجه می‌رسد اما باید مشکل صدور سند منابع طبیعی در آن منطقه حل شود.

بازتاب

روزنامه محترم ووزین «شرق»

با سلام؛ نوشته‌ای که تحت عنوان «آن سوی قفسه‌های هایپرمارکت‌ها» در روز شنبه ۲۸ مهرماه در صفحه ۵ روزنامه نوشته شده‌ست، توجه ما را جلب نمود. هرچند ظاهر مطلب در جهت حمایت از کارگر و طبقه فرودست جامعه که با کار فیزیکی مجبور است زندگی خود را تأمین کند، نوشته شده؛ اما به نظر من رواج‌دهنده فرهنگ تبلی و از زیر کار دررفتن می‌باشد که متأسفانه در جامعه ما به وفور وجود دارد. طبق پژوهش‌های انجام‌شده در مقابل هشت ساعت حضور در محل کار، ساعت کار مفید افراد در ایران بین یک تا دو ساعت است و حتی عدد غیرقابل باور ۲۲ دقیقه کار مفید در هشت ساعت نیز در مواردی اعلام شده؛ درحالی‌که طبق گزارش دیگری متوسط ساعت کار مفید افراد در سال در ایران ۸۰۰ ساعت، در ژاپن هوهزارو۴۲۰ و در کره جنوبی هزارو ۹۰۰، چین هزارو ۴۲۰ و آلمان هزارو ۷۰۰ ساعت است. فقط در عربستان و کویت که درآمد سرانه بسیار بیشتر از ما دارند، ۷۲۰ ساعت و ۶۰۰ ساعت می‌باشد (البته چون هرکدام از آمارهای فوق درمورد ایران از منابع مختلف آورده شده، با هم تفاوت دارند و راندمان کار مفید در روز در ایران بین ۲۲ دقیقه تا حداکثر ۲/۵ ساعت تعریف شده است.) ما باید تکلیف خود را روشن کنیم. آیا می‌خواهیم نفت و سایر مواد معدنی را بفروشیم و زندگی کنیم و کار هم نکنیم یا می‌خواهیم با کار و تلاش و بدون اتکا به این درآمد‌ها که کفاف همه جمعیت را هم نمی‌دهد، زندگی کنیم. من با دفاع از کارگر و فراهم‌نمودن شرایط مناسب برای آنها شدیداً موافقم؛ ولی باید در نظر بگیریم که ما از لحاظ بسیاری از آمارهای کار و تولید و درآمد ناشی بسیار کوچک‌تر از امکانات خود در اقتصاد جهان داریم و معمولاً رتبه کشورمان (در این زمینه‌ها) جزء ۱۵ درصد تا ۲۰ درصد آخرین رتبه‌ها می‌باشد و درحالی‌که باید با کار بسیار بیشتر از ژاپن، کره جنوبی، چین و ترکیه، خودمان را از این وضعی که دچار کرده‌ایم، نجات دهیم. رواج فرهنگ کاهلی تحت عنوان مردم‌پسند حمایت از کارگر بسیار خطرناک است. این‌همه کار را چه کسی باید بکند واین‌همه عقب‌ماندگی را چگونه جبران کنیم. البته دراین‌میان وظیفه مدیران و بقه‌سفیدها بسیار سنگین‌تر و شدت کار آنها باید خیلی بیشتری از کارگران باشد. متأسفانه فقط یقه کارگر را می‌گیریم که باید بیشتر کار کند، هیچ‌گاه آماری از اینکه راندمان کاری مدیران چه میزان است (به طور جداگانه) داده نمی‌شود. هیچ‌گاه آمار داده نمی‌شود که مدیران در مقابل چه هزینه به مقدار فایده ایجاد نموده‌اند. ما در جهانی زندگی می‌کنیم که کشورها با کار شدید و رقابت فشرده در حال رشد می‌باشند و با باید ما هم در همه سطوح کارگر، کشاورز، کارمند، مدیر، سیاست‌مدار، مسئول، روشنفکر... و با شدت کار و تلاش هم‌جهت و همدلی بکنیم یا نه همین وضعی که داریم، بسازیم و روزبه‌روز دهن‌پرتر برویم و در عوض شعارهای بیشتر و حرف‌های دهن‌پرکن بزرگ‌تر بنزیم.

صد باد صبا اینجا در سلسله می‌قصد

این است حریف ای دل تا باد نیامی

غلامرضا رسولیان- مدیرعامل ریخته‌گری فولاد طبرستان